



انیمیشن «قصه ما مثل شد»، دکتر محسن مومنی شریف و شهرام شفيعی است. شماره بیستم ماهنامه کتاب رضوی بخش‌های متنوع دیگری نیز دارد که شامل ادبیات دینی با گزارش رویداد رونمایی کتاب «سرمه» و نقد و بررسی کتاب «خسوف در بیروت» است. ماهنامه کتاب رضوی با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و معرفی آثار مرتبط با فرهنگ رضوی به علاقه‌مندان ارائه می‌شود.

کتاب، آموزش عملی آداب گفت‌وگو و مناظره اخلاق‌مدار است. این شماره از ماهنامه به مناسبت رسیدن شمارگان مجموعه کتاب «قصه ما مثل شد» به‌مرزیک‌میلیون‌نسخه پرونده ویژه‌ای را منتشر کرده است. این پرونده شامل یادداشت‌های اختصاصی از صاحب‌نظران مختلف از جمله مهندس مسعود فرزانه مدیرعامل انتشارات به‌نشر، محمد میرکیانی نویسنده اثر، علیرضا کاویان‌راد کارگردان

بیستمین شماره ماهنامه تخصصی «کتاب رضوی» وابسته به انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر) منتشر شد. این شماره به‌طور ویژه به معرفی کتاب «مناظرات امام رضا(ع) با بابایاب مذاهب» پرداخته است. کتاب مذکور شامل شش جلسه سخنرانی آیت‌الله سبحانی برای طلاب و علاقه‌مندان به علوم دینی است و در آن مناظرات علمی و کلامی امام رضا(ع) بررسی می‌شود. از نقاط قوت این

«کتاب رضوی»

به ایستگاه بیستم رسید



و مفقودالآثر و رزمنده.

کتاب توانسته به زبانی که هرکسی توان تحلیلش را داشته باشد تهدیداتی که یک خانواده انقلابی در قبل و حین و بعد انقلاب و حین و بعد جنگ تحمیلی اول با آنها مواجه است را به‌تصویر بکشد

چند خط برای کتاب «این صدف انگار مروارید ندارد»

یک کتاب پر از مروارید



قابل تحمل، درونش دارد فلذا باید با پای دل همراه این کتاب شد و حوصله کرد.

تمام کتاب مشحون از صداقت است. تعجب می‌کنی که خودافشاگری تا کجا؟ جایی که حتی نویسنده به کندذهنی در درس و بی‌استعدادی در دانش و تنبلی‌ها و ترس‌های کودکانه و نوجوانانه‌وضع سکونت‌غریبال تعریف‌وسوئی‌های وحشتناک

حاج شیرعلی سلطانی در شیراز، دقیقا همان وصیت و حسرتی را داشته که پدر شهید من در کیلومترها دورتر از او در آذربایجان.

بغض‌ها، اشک‌ها و پایان جنگ

و ممنونم از نویسنده که ما را با بغض‌های خوارانه خانوم‌ماه برای شهید صفدر و اشک‌های مادرانه برای شهید صادق و مویه‌های عاشقانه برای شهید حاج‌شیرعلی همراه کرد و ما را پایه‌یا با ماه‌پاره‌ای پر مهر، از روزهای کودکیش سیر داد تا نوجوانی و عروسی و به‌دنیا آمدن بچه‌هایش و لب‌گزه‌های دل‌تنگی از نبودن شیرعلی و دست‌آخر شهادتش تا برسیم به روزی که جنگ تمام شد و اسرا برگشتند و راه کریلا باز شد و صدام سرنگون و ساختن ویرانه‌هایی که از جنگ مانده بود و چپه همت شد، اما کسی حواسش به دل‌های ویران‌شده آدم‌ها نبود!

کتاب خوش‌خوان خانوم‌ماه روایت جذابی است از زندگی یک زن که در خانواده‌ای پرشهادت، همسرش را که یک‌بار تا سردخانه معراج شهدا رفته و زنده برگشته بود، دوباره و چندباره راهی جبهه کرد و دست‌آخر، بدن بی‌سر او را در قبری که از قبل آماده بود گذاشت و حواسش به وصیت و امانت‌های «سردار بی‌سر فتح‌المبین» بود و هست. که الهی به سلامت باشد. آمین.



او بر می‌دارد. آن پیر بیدار دل با دم عیسوی خود، چه تحول عظیمی در جوانان آن برهه ایجاد کرد. در کتاب، واضح است که اسماعیل به‌اصطلاح‌توی باغ‌نیست و جنم‌مبارزه‌ندارد و این‌کاره نیست! اما امام از اسماعیل‌ها مرد جنگی می‌سازد و همین آقای اسماعیل که اصلا میانه‌ای با این حرف‌ها نداشته، می‌آید پای کار انقلاب، می‌رود توی کمیته و مشغول پاسداری از انقلاب اسلامی می‌شود. می‌رود به کردستان و مرپوان پرخطر و سال‌ها آنجا می‌ماند. ازدواج و تیپ و قیافه و کارش، رنگ و بوی دینی و انقلابی می‌گیرد. حتی برخی دوستان قبل از انقلاب اسماعیل هم وضع روحی و اخلاقی‌شان تعریفی نداشت، می‌روند در زمره شهدا! این کتاب، نمودی و یادآوری است بر عظمت امام و قداست و سازندگی و آدم‌سازی نهضت او. به‌هرحال بسیار خواندنی، روان و خودمانی است با ادبیاتی نسبتاً تک‌خیابانی، ستودنی است آقای اسماعیل ابراهیمی. این کتاب اتفاقا پر است از مرواریدهای ناب و قیمتی....

بود، گفت: در جنگ جهانی دوم در آمریکا این موضوع خودش را مثل یک منجی نشان داد و گفت «ما دموکراسی را به کشورهای تحت استعمار هدیه می‌دهیم» اما حالا تنها کلان‌روایتی که باقیمانده «مصرف» است، که از آن چیزی گیرمان نمی‌آید تا بخواهیم معنای بزرگی را به واسطه آن خلق کنیم.

وی افزود: مردم الان به‌دنبال این هستند تا به چیزی برسند که به زندگی شخصی‌شان معنا دهد اما متأسفانه الان داستانی برای رسیدن به این مفهوم وجود ندارد.

جانی‌گفت: آنچه در این کتاب بیان کرده‌ام، این است که فراتر از آن «معنازدایی» که در رمان‌ها می‌بینیم، ما خود به آن دامن زده‌ایم؛ گویی معنازدایی به نوعی ژست تبدیل شده، انگار در جامعه ما، مد روز است که هر کس کتابی می‌خواند، درباره بوجی زندگی سخن بگوید.

ساختن معنا در جهان صنعتی

وی ادامه داد: درحالی‌که جهان صنعتی هم دیگر از مسأله بوجی به معنای کلان‌روایت عبور کرده و کاملاً پذیرفته که «معنای وجود ندارد ولی ما باید بتوانیم معنا بسازیم»، بر این اساس اغلب کارگردانان و نویسندگان بزرگ که دیگر این مسأله هستند، در این سال‌های اخیر به هر شکلی به‌دنبال ساخت معنا و روشن دیدن آینده هستند و انگار اثر آنان سفرashi است، چراکه در نقطه امیدوارانه‌ای جمع نمی‌شود.

رمان؛ حماسه بورژوازی

وی افزود: در جنگ سرد می‌بینیم این عامل به خود کشورهای صنعتی هم باز می‌گردد و به یک نیروی بزرگ تبدیل می‌شود و فضایی ایجاد می‌کند تا رمان‌ها که هگل آنها را «حماسه بورژوازی» می‌دانست ادامه پیدا کنند. رمان‌ها تا قبل از قرن بیستم معمولاً زندگی معناداری را برای انسان بورژوا تأمین می‌کردند اما از دهه ۵۰ قرن بیستم به بعد، واکنش‌های گسترده‌ای در میان هنرمندان به مسأله بوجی شکل گرفت و از دهه ۹۰ این موضوع به میان عامه مردم کشیده شد، آنها جنگ را پوچ می‌دانستند و می‌خواستند کلان‌روایت‌ها را از بین ببرند و بی‌بنیاد بودن هستی و زندگی را پیش بکشند.



تنها کلان‌روایت باقیمانده «مصرف» است

این نویسنده با بیان این‌که داستان معناداری زندگی، قبلاً یک کلان‌روایت معنادار

نگار «در»، «فیل ت از ی از می سیس ه که عبیر ت و سد: یک تان سراز «! و اش یایی ل و لبته

نتار در باب رمان و نت: شکل‌گیری رمان ش و جست و جو بود؛ در میان نویسندگان بلا‌موجب شکل‌گیری برای خواندن، فکر

ن‌نویسی‌ام، خانمی وانان بعد از خواندن ی خودمان، دلزده



فاق نظر روی مفهوم موضوع فکر کنم؛ لذا اثل مرتبط با مفهوم‌های هستند، مطرح ادبیات داستانی هم

مان ایرانی را نوشته و